

درس پانزدهم

دریا

هر کجا چشم می رود، آب است
دریا آن قدر بزرگ است که هر کجا را نگاه می کنیم
فقط آب است.

از افق تا افق، همه دریاست از این طرف آسمان تا آن طرف آسمان را آب گرفته است.

آب، آینه ای است پهناور دریا مثل آینه ای بزرگ است که

صورت آسمان، در آن پیدا است عکس آسمان در آن پیدا است.

خنده ی گرم و روشن خورشید گرما و روشنی خورشید،

بر تن سرد آب می ریزد
به آب سرد دریا می تابد و آن را
گرم می کند.

موج از پشت موج می آید
موج های دریا پشت سرهم

موج در پیش موج می خیزد
بالا و پایین می شوند.

آب دریا خود را مثل دامنی نرم، می‌کشد آب، دامنش را نرم
روی ماسه‌های ساحل می‌کشد. بر تنِ پاک ماسه‌های کبود
وقتی آب دریا به ساحل برخورد می‌کند، می‌برد لذت از نوازشِ آب
ساحل از نوازش آن لذت می‌برد و آرام و
بی خیال بی خیالِ خوابِ آلود

با دیدن دریا شاد می‌شوم و از خوشحالی، می‌شوم شاد و می‌زنم غوطه
مثل ماهی در آب شفاف دریا شنا می‌کنم. مثل ماهی، میان آبِ زلال
آسمان خوش منظره و زیباست و دریا آرام آسمان دل‌گشا و دریا رام
است و من از اینکه زندگی با من مهربان است خوشحالم.
زندگی مهربان و من خوش حال

محمود کیانوش 

كلمات مخالف

پيدا \neq گم، پنهان

نرم \neq زبر

می خیزد \neq می نشیند

پاک \neq آلوده

كلمات هم خانواده

مثل ✓ - مثال - أمثال

لذت ✓ - لذیذ

